



The University of Tehran Press

FALSAFEH

Online ISSN: 2716-974X

<https://jop.ut.ac.ir>



Getting to Know Ibn Fanārī, a Follower of Ibn Arabī's School in Anatolia

Sepideh Nosrati 

Faculty Member of Encyclopedia Islamic Foundation. Email: se16n60@gmail.com

Article Info

Article Type:

Review Article

(393-400)

Article History:

Receive Date:

31 August 2025

Revise Date:

23 November 2025

Accept Date:

22 October 2025

Published online:

23 November 2025

Abstract

Fanārī was among the first scholars who, with the title of Sheikh al-Islam, endeavored to propagate and promote the school of Ibn Arabī in Anatolia. Šā'in al-Dīn Ali ibn Muhammad Turkah Işfahānī (d. 836 AH), who himself was a mystic and philosopher of the Ibn Arabī school and a contemporary of Fanārī, in response to opponents of Ibn Arabī's ideas, referred to the status and credit of Fanārī and stated that he had been teaching *Fusūs al-Ḥikam* and the teachings of the Ibn Arabī school for twenty years, and this did not cause the scholars and scientists of Rome and Egypt to criticize and reproach Fanari. However, probably due to the unpopularity of this tendency among the Hanbalis and Egyptian jurists, Fanari avoided expressing ideas based on Ibn Arabī's views during his stay in Cairo, and accordingly, most of the scholars who came to his discussion and lesson sessions testified to his excellence and knowledge. It has also been said that Fanari held the position of caliphate in some Sufi orders, such as the Rifā'iyya and Zayniyya.

Keywords:

Fanārī, Ibn Arabī, *Miṣbāḥ al-Uns*, Rifā'iyya, Zayniyya

Cite this article: Nosrati, S. (2025). Getting to Know Ibn Fanārī, a Follower of Ibn Arabī's School in Anatolia. *FALSAFEH*, Vol. 23, No. 1, Spring-Summer-2025 (Special letter honoring Professor Dr. Mohsen Jahangiri), Serial No. 44 (393-400).

DOI: <https://doi.org/10.22059/JOP.2025.399072.1006932>



Publisher: The University of Tehran Press.



فلسفه

شاپای الکترونیکی: ۹۷۴x-۲۷۱۶

<https://jop.ut.ac.ir>



انسانیت و اخلاق

آشنایی با ابن فناری یکی از پیروان مکتب ابن عربی در آناتولی

سپیده نصرتی ✉

عضو هیئت علمی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: se16n60@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

فناری از نخستین علمایی بود که با مقام شیخ الاسلامی به نشر و ترویج مکتب ابن عربی در آناتولی همت گماشت. صائن الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی (متوفی ۸۳۶ ه.ق)، که خود از عرفا و حکمای مکتب ابن عربی و هم‌عصر فناری بوده است، در پاسخ مخالفان اندیشه‌های ابن عربی، به مقام و اعتبار فناری اشاره کرده و گفته است که او بیست سال به تدریس فصوص/الحکم و تعالیم مکتب ابن عربی اشتغال داشته و این امر موجب طعن و نقد علما و دانشمندان روم و مصر بر فناری نشده است. با این حال، احتمالاً فناری به سبب ناپسندبودن این گرایش نزد حنبلیان و فقه‌های مصری، در زمان اقامت در قاهره از اظهار اندیشه‌های مبتنی بر آرای ابن عربی اجتناب می‌کرد و بر این اساس، اغلب علمایی که به مجالس بحث و درس او می‌آمدند بر فضل و دانش او گواهی می‌دادند. همچنین گفته شده که فناری مقام خلیفگی برخی طریقت‌های صوفیه مثل رفاعیه و زینیه را داشته است.

نوع مقاله:

علمی - ترویجی

(۳۹۳-۴۰۰)

تاریخ دریافت:

۹ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری:

۲ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۳۰ مهر ۱۴۰۴

تاریخ انتشار:

۲ آذر ۱۴۰۴

واژه‌های کلیدی:

فناری، ابن عربی، کتاب مصباح/لانس، رفاعیه، زینیه

استناد: نصرتی، سپیده (۱۴۰۴). آشنایی با ابن فناری یکی از پیروان مکتب ابن عربی در آناتولی. فلسفه، سال ۲۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴ (ویژه‌نامه گرامیداشت استاد زنده‌یاد دکتر محسن جهانگیری)، پیاپی ۴۴ (۳۹۳-۴۰۰).

DOI: <https://doi.org/10.22059/JOP.2025.399072.1006932>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

محمد بن حمزه بن محمد رومی حنفی ملقب به شمس الدین و معروف به «فناری»، «ابن فناری» و «علامه فناری» در صفر ۷۵۱ به دنیا آمد و دوران کودکی خود را در ریعان شهاب گذراند.^۱

شمس الدین فناری در ازنیک^۲ نزد علاء الدین اسود، شارح/المغنی، و در آماسیه نزد جمال الدین آق سرائی تحصیل کرد و از او اجازه گرفت. سپس در ۷۷۸ به قاهره رفت و نزد شیخ اکمل الدین محمد بن محمد بابرتی شاگردی کرد و در علوم عقلی و نقلی زمان خود، از جمله معانی و بیان و قرائت و هیئت، از سرآمدان روزگار شد.^۳ همچنین علم تصوف را از پدرش حمزه فرا گرفت و با برخی مشایخ صوفیه مصاحبت و مکاتبه داشت. پدرش از شاگردان صدرالدین قونیوی بود و شمس الدین، مفتاح/الغیب قونیوی را نزد پدرش خواند و بعدها شرح جامعی بر آن نوشت. هنگامی که شمس الدین فناری نزد اکمل الدین بابرتی تحصیل می کرد، یکی از اولیاء الله به ملاقات او آمد و پیش گویی کرد که او در آینده به مقام جامع بین ریاست دین و دنیا و علم و تقوا خواهد رسید.^۴

شمس الدین فناری پس از بازگشت از مصر، در ۷۹۵ به منصب قضاوت بروسه/بورسه تعیین شد و جایگاهش نزد پادشاهان عثمانی، از جمله سلطان بایزید (حک: ۷۹۱-۸۰۴) و چلبی سلطان محمد (حک: ۸۱۶-۸۲۴)، ارتقا یافت و افزون بر مقام مشاور دولتی، نخستین شیخ الاسلام دولت عثمانی شد و شهرت علم و مقامش سراسر آناتولی را فرا گرفت. او در مدرسه مناستر^۵ بروسه نیز به تدریس اشتغال داشت. فناری به رغم اشتغال به منصب قضا و داشتن ابهت و شکوه و ثروت زیاد، در حالی که بسیاری از خادمان او با لباس های فاخر و کلاه های زربافت ظاهر می شدند، زندگی زاهدانه و صوفیانه ای داشت و ظاهراً با درآمدی که از شغل ابریشم فروشی به دست می آورد، زندگی می کرد. او بر اجرای شریعت و عدالت چنان اهتمام و تأکیدی داشت که

۱. شوکانی، محمد بن علی [بی تا]، *البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع*، بیروت: ج ۲، ۲۶۶؛ مدرس، محمد علی (۱۳۷۴)، *ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب*، تهران: ج ۴، ۳۵۴؛ نیز ← فناری، محمد بن حمزه (۱۳۷۴)، ترجمه مصباح/انس، تهران: مقدمه خواجوی، هفتاد و دو (قس: ابن حجر عسقلانی (۱۹۷۲/۱۳۹۲)، *انباء الغمر بانباء العمر*، چاپ حسن حبشی، قاهره: ج ۳، ۴۶۴ که تولد او را در ۷۵۸ نوشته است؛ سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۳۸۴)، *بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین و النحاة*، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: ج ۱، ص ۹۷ که نسب او را فنی و منسوب به فنیار/فنا (= فانوس) نامیده است؛ طاشکوپری زاده، احمد بن مصطفی (۱۳۸۹)، *الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانية*، چاپ محمد طباطبایی بهبهانی، تهران: ۲۵؛ مناوی، عبدالرئوف (۱۹۹۹)، *طبقات الصوفیه: ارغام اولیاء الشیطان بذکر مناقب اولیاء الرحمن او الطبقات الصغری*، ج ۴، چاپ محمد ادیب الجادر، بیروت: ج ۴، ۵۵۸، که او را منسوب به قریه فنار دانسته اند.

2. Iznik

۳. ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۲/۱۳۹۲: ج ۳، ۴۶۴-۴۶۵؛ سیوطی، ۱۳۸۴: ذج ۱، ۹۸؛ شوکانی [بی تا]: ج ۲، ۲۶۶؛ لکهنوی، عبدالحی (۱۳۹۳)، *الفوائد البهیة فی تراجم الحنفیة*، کراچی: ۱۶۶؛ نیز ← فناری، ۱۳۷۴؛ مقدمه خواجوی، هفتاد و دو؛ TDVIA, s.v. "Molla Fenârî", by İbrahim Hakki Aydın.

۴. طاشکوپری زاده، ۱۳۸۹: ۲۷-۲۸، ۳۰؛ لکهنوی، ۱۳۹۳: ۱۶۶ (قس: "Molla Fenârî", TDVIA, s.v. "Molla Fenârî", که شاگردی پدر فناری نزد قونیوی را نامحتمل می داند).

5. Manastır

حتی شهادت سلطان بایزید عثمانی را در یکی از دعاوی قضایی نپذیرفت، زیرا سلطان نماز را به جماعت نمی‌خواند. سلطان عثمانی بعد از تذکر فناری دستور داد تا مسجد جامعی در روبه‌روی قصرش بنا کنند و از آن به بعد نماز جماعت را ترک نکرد.^۱

چندی بعد باز هم اختلاف‌هایی بین فناری و سلطان بایزید به‌وجود آمد که به موجب آن فناری منصب قضا را ترک کرد و به قَرَمَان/قرامان رفت و حدود ده سال مشغول تدریس شد. حاکم آنجا به فناری و شاگردانش روزانه هزار و پانصد درهم شهریه پرداخت می‌کرد. پس از چندی سلطان بایزید از اینکه موجب رنجش شمس‌الدین فناری شده بود پشیمان گشت و نامه‌ای به حاکم قرامان نوشت و بازگشت فناری را درخواست کرد و فناری نیز به مناصب قبلی خود برگشت.^۲

فناری در ۸۲۲ از راه انطاکیه و دمشق به حج رفت و در بازگشت عازم قاهره شد و در آنجا به درخواست ملک مؤید شیخ، سلطان مملوکی مصر، در مجلس مباحثات علمی با علما و فضایی مصر شرکت کرد و مشغول تدریس شد و در مدت اقامت در قاهره هم به شهرت علمی و هم به ثروت قابل توجهی دست یافت. پس از مدتی مصر را ترک کرد و نخست به بیت‌المقدس و سپس به بورسه رفت.^۳

شمس‌الدین فناری پس از مدتی دچار نابینایی شد. در ۸۳۳ که احساس کرد بینایی‌اش کمی بهبود یافته، به شکرانه عازم حج شد. در بیان علت نابینایی فناری گفته شده هنگام شنیدن این حکایت که «أَنْ الْأَرْضُ لَا تَأْكُلُ لَحْمَ الْعُلَمَاءِ الْعَامِلِينَ»، برای اطمینان، قبر استادش علاء‌الدین اسود را نبش کرد و هنگام رؤیت جسد پوسیده صدایی شنید که: «هَلْ صَدَقْتَ، أَعْمَى اللَّهِ بِصْرِكَ». فناری سرانجام در رجب ۸۳۴ در سن ۸۴ سالگی درگذشت.^۴ فناری را در مسجد جامع بورسه دفن کردند و گفته شده که پس از مرگش ده هزار جلد کتاب به میراث گذاشت که با ثروت خود تهیه کرد بود. او همچنین بخشی از اموال و املاک خود را صرف ساخت یک مدرسه در بیت‌المقدس و سه مسجد و یک مدرسه در بورسه کرده بود. اهتمام او به جمع‌آوری و استنساخ کتاب‌ها به حدی بود که سه روز در هفته با تعطیل کردن مدرسه، شاگردانش را به کار استنساخ می‌گماشت.^۵ از میان شاگردان او، افزون بر دو فرزندش یوسف بالی و محمدشاه، می‌توان به

۱. طاشکوپری‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۷-۲۸؛ شوکانی [بی‌تا]، ج ۲، ۲۶۶-۲۶۸؛ مدرس، ۱۳۷۴: ج ۴، ۳۵۴؛ نیز— TDVIA, s.v. "Molla Fenârî".

۲. طاشکوپری‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۸؛ شوکانی [بی‌تا]، ج ۲، ۲۶۸ (قس: TDVIA, s.v. "Molla Fenârî" که زمان بازگشت فناری به بورسه را ۸۱۷ نوشته که در این زمان سلطان محمد در رأس حکومت عثمانی بود است نه سلطان بایزید).

۳. ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۲/۱۹۷۲: ج ۳، ۴۶۵؛ طاشکوپری‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۶؛ شوکانی [بی‌تا]، ج ۲، ۲۶۶.

۴. طاشکوپری‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۰؛ شوکانی [بی‌تا]، ج ۲، ۲۶۸؛ لکهنوی، ۱۳۹۳: ۱۶۶.

۵. طاشکوپری‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۸، ۳۰؛ حنفی رومی کفوی، محمودبن سلیمان (۱۹۷۱)، *کتاب‌الاعلام/الاخيار من فقهاء مذهب النعمان/المختار*، چاپ عبداللطیف عبدالرحمان، بیروت: ج ۲، ۴۵۷؛ شوکانی [بی‌تا]، ج ۲، ۲۶۷.

ابن حجر عسقلانی اشاره کرد که در قاهره از او اجازه نقل حدیث گرفت.^۱ برخی او را صاحب کرامت دانسته‌اند.^۲

تأثیرگذاری مکتب ابن عربی بر اندیشه و آثار شمس‌الدین فناری مشهود است. فناری از نخستین علمایی بود که با مقام شیخ‌الاسلامی به نشر و ترویج مکتب ابن عربی در آناتولی همّت گماشت. صائن‌الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی (متوفی ۸۳۶ ه.ق)، که خود از عرفا و حکمای مکتب ابن عربی و هم‌عصر فناری بوده است، در پاسخ مخالفان اندیشه‌های ابن عربی، به مقام و اعتبار فناری اشاره کرده و گفته است که او بیست سال به تدریس *فصوص‌الحکم* و تعالیم مکتب ابن عربی اشتغال داشته و این امر موجب طعن و نقد علما و دانشمندان روم و مصر بر فناری نشده است. با این حال، احتمالاً فناری به سبب ناپسند بودن این گرایش نزد حنبلیان و فقهای مصری، در زمان اقامت در قاهره از اظهار اندیشه‌های مبتنی بر آرای ابن عربی اجتناب می‌کرد و بر این اساس، اغلب علمایی که به مجالس بحث و درس او می‌آمدند بر فضل و دانش او گواهی می‌دادند. همچنین گفته شده که فناری مقام خلیفگی برخی طریقت‌های صوفیه مثل رفاعیه و زینیه را داشته است.^۳

شمس‌الدین فناری آثاری در علوم مختلف تألیف کرده است. مهم‌ترین اثر او شرحی به نام *مصباح‌الانس بر مفتاح‌الغیب قونیوی* است. او در نگارش این کتاب از سخنان ابن عربی، قونیوی، سعیدالدین فرغانی و مؤیدالدین جندی بهره گرفته است. فناری در تبیین کلام قونیوی کوشیده تا با بهره‌گیری از همه آثار قونیوی، کلام وی را با سخنان خود او تفسیر کند. او سعی داشته تا با تلفیق و تطبیق مبانی و اصول حکمت نظری و فلسفی و کشف و شهود عرفانی، مطالب را به صورت استدلالی و در قالبی منطقی ارائه دهد. او از اندیشه‌های عرفانی کسانی مانند عبدالرزاق کاشانی و داوود قیصری بسیار کم استفاده کرده است و از این‌رو، مشکلاتی که در آرای آنان وجود دارد در اثر او مشاهده نمی‌شود. خود او نیز در تبیین و اثبات مسائل و موضوعات غامض عرفان نظری از ابراز نظر خودداری کرده و به نقل اقوال دیگران بسنده کرده است. این کتاب را سید رضی لاریجانی، آقا محمدرضا قمشه‌ای، میرزا هاشم اشکوری، میرزا مهدی آشتیانی،

۱. ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۲/۱۳۹۲: ج ۳، ۴۶۵؛ طاشکوپری‌زاده، احمدبن مصطفی (۱۹۷۷/۱۳۹۷)، *کتاب مفتاح السعادة و مصباح السیادة*، حیدرآباد: ۴۹۹؛ برای اطلاع از سایر شاگردان فناری، ← حنفی، ۱۹۷۱: ج ۲، ۴۵۷.

۲. ← طاشکوپری‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۰؛ مناوی، ۱۹۹۹: ج ۴، ۵۶۰.

۳. ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۲/۱۳۹۲: ج ۳، ۴۶۵؛ سیوطی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۹۸؛ ابن‌ترکه اصفهانی، صائن‌الدین (۱۳۵۱)، *چهارده رساله فارسی*، چاپ علی موسوی بهبهانی و ابراهیم دیباجی، تهران: ۱۷۳؛ نیز ← فناری، ۱۳۷۴، *مقدمه خواجوی هفتاد و دو-هفتاد و چهار*؛ "Molla Fenârî", TDVIA, s.v.

محمدعلی شاه‌آبادی و امام خمینی در حوزه‌های علمیّه اصفهان، تهران و قم تدریس کرده و شروح و تعلیقاتی بر آن نوشته‌اند.^۱

فناری همچنین تفسیری عرفانی از سورة فاتحه با عنوان *عین الاغان فی تفسیر القرآن* دارد که با نام *تفسیر الفاتحه* در استانبول چاپ شده‌است. او در این تفسیر بین علوم شرعی و عرفان اسلامی جمع کرده است.^۲

دیگر آثار او عبارتند از: *فصول البدایع لاصول الشرایع*، در علم اصول که نگارش آن سی سال به طول انجامید؛ *فوائد الفناریه* یا *شرح ایساغوجی اثیرالدین ابهری*؛ *مقدمه للصلاة*؛ *عویصات الافکار فی اختبار اولى الابصار*؛ *رسالة رجال النعیم*؛ *شرح رباعی شیخ اکبر محی‌الدین ابن عربی*؛ *شرح اصول بزدوی*؛ *شرح المواقف فی الکلام*.^۳

کتابی با عنوان *انموذج العلوم* نیز به او منسوب است که به احتمال زیاد تألیف پسرش محمدشاه فناری است. صاحب *شقائق النعمانیة*^۴ گفته که رساله‌ای منظوم شامل بیست قطعه از شمس‌الدین فناری دیده است که هر قطعه درباره یکی از فنون بیست‌گانه آن زمان بوده و به‌صورت لغز و معماگونه نوشته شده بود و فضایی زمان از تعیین آن فنون و حل مسائل آن عاجز بودند و *انموذج العلوم* را محمدشاه در شرح و اسامی فنون و حل مشکلات آن نوشته است.^۵ محمدشاه فناری از بزرگان حنفیه بود و افزون بر کتاب فوق که حاکی از تبخّر او در علوم و فنون روزگار است، حاشیه‌ای بر *فصول البدایع* پدرش با عنوان *تلخیص الفصول و ترصیص الاصول* نیز به او منسوب است. تدریس در مدرسه سلطانیّه بورسه نیز در زمان حیات پدرش به عهده او گذاشته شده بود. محمدشاه فناری در ۸۳۹ یا ۸۴۰ درگذشت.^۶

۱. فناری، ۱۳۷۴: مقدمه خواجوی، هفتاد و شش؛ فناری، ۱۳۸۸: ج ۱، مقدمه ناشر، م و ن، مقدمه مترجم، ۲۶.

۲. طاشکوپری‌زاده، ۱۳۹۷: ج ۱، ۴۹۷؛ نیز — فناری، ۱۳۷۴: مقدمه خواجوی، هفتاد و چهار.

۳. برای این آثار و سایر آثار فناری — شوکانی [بی‌تا]، ج ۲، ۲۶۶؛ مدرس، ۱۳۷۴: ج ۴، ۳۵۵؛ بغدادی، اسماعیل (۱۹۹۰/۱۴۱۰)، *هدیه العارفین*، ج ۲، در: حاجی‌خلیفه (۱۹۹۰/۱۴۱۰)، *کشف الظنون*، ج ۶ بیروت: ج ۲، ستون ۱۸۸-۱۸۹؛ Brockelmann, Carl (1949), *Geschichte der Arabischen Litteratur*, Leiden: vol. II, 303-304; Brockelmann, Carl (1938), *Geschichte der Arabischen Litteratur, suppl.*, Leiden: vol. II, 329.

۴. طاشکوپری‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۶-۲۷.

۵. شوکانی [بی‌تا]: ج ۲، ۲۶۶-۲۶۷؛ مدرس، ۱۳۷۴: ج ۴، ۳۵۵-۳۵۴؛ حاجی‌خلیفه (۱۹۹۰/۱۴۱۰)، *کشف الظنون*، ج ۶ بیروت: ج ۱، ستون ۱۸۴.

۶. مدرس، ۱۳۷۴: ج ۴، ۳۵۵.

منابع

- ابن ترکة اصفهانی، صائن‌الدین (۱۳۵۱). چهارده رساله فارسی، چاپ علی موسوی بهبهانی و ابراهیم دیباجی، تهران.
- ابن حجر عسقلانی (۱۹۷۲/۱۳۹۲). *انباء الغمر بانباء العمر*، چاپ حسن حبشی، قاهره.
- بغدادی، اسماعیل (۱۹۹۰/۱۴۱۰). *هدیه العارفین*، ج ۲، در: حاجی خلیفه (۱۹۹۰/۱۴۱۰)، *کشف الظنون*، ج ۶، بیروت.
- حاجی خلیفه (۱۹۹۰/۱۴۱۰). *کشف الظنون*، ج ۶، بیروت.
- حنفی رومی کفوی، محمودبن سلیمان (۱۹۷۱). *کتاب اعلام الاخیار من فقهاء مذهب النعمان المختار*، چاپ عبداللطیف عبدالرحمان، بیروت.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۳۸۴). *بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین و النحاة*، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره.
- شوکانی، محمدبن علی [بی تا]. *البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع*، بیروت.
- طاشکوپری زاده، احمدبن مصطفی (۱۳۸۹). *الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانية*، چاپ محمد طباطبایی بهبهانی، تهران.
- طاشکوپری زاده، احمدبن مصطفی (۱۹۷۷/۱۳۹۷). *کتاب مفتاح السعادة و مصباح السیادة*، حیدرآباد.
- فناری، محمدبن حمزه (۱۳۷۴). *ترجمه مصباح الانس*، تهران.
- لکهنوی، عبدالحی (۱۳۹۳). *الفوائد البهية فی تراجم الحنفية*، کراچی.
- مدرس، محمدعلی (۱۳۷۴). *ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنية او اللقب*، تهران.
- مناوی، عبدالرئوف (۱۹۹۹). *طبقات الصوفیه: ارغام اولیاء الشیطان بذكر مناقب اولیاء الرحمن او الطبقات الصغری*، ج ۴، چاپ محمد ادیب الجادر، بیروت.

References

- Baghdadi, Ismail (1410/1990). Hudayat al-'Arifin, vol. 2, in: Haji Khalifa (1410/1990), *Kashf al-Dhanun*, vol. 6, Beirut.
- Brockelmann, Carl (1938). *Geschichte der Arabischen Litteratur, suppl.*, Leiden.
- Brockelmann, Carl (1949). *Geschichte der Arabischen Litteratur*, Leiden.
- Fanari, Muhammad ibn Hamza (1374). Translation of Misbah al-Anas, Tehran.
- Haji Khalifa (1410/1990). *Kashf al-Dhanun*, vol. 6, Beirut.
- Hanafi Rumi Kafawi, Mahmoud ibn Sulayman (1971). *Kita'ib al-'Alam al-Akhyar min jurists of the school of al-Nu'man al-Mukhtar*, published by Abdul-Latif Abdul-Rahman, Beirut.
- Ibn Hajar Asqalani (1392/1972). *Anba' al-Ghamr Anba' al-Umar*, published by Hassan Habashi, Cairo.
- Ibn Tarka Isfahani, Sa'in al-Din (1351). Fourteen Persian Treatises, published by Ali Mousavi Behbahani and Ibrahim Dibaji, Tehran.
- Lakhnavi, Abdul Hai (1393). *Al-Fawa'id al-Bahiyyah fi Tarajim al-Hanafiyyah*, Karachi.

- Manawi, Abdul Rauf (1999). *Tabaqat al-Sufiyyah: The temptation of the saints of Satan by mentioning the signs of the saints of the Most Gracious, or the minor Tabaqat al-Sughri*, vol. 4, Muhammad Adib al-Jader Publishing House, Beirut.
- Modarres, Muhammad Ali (1374). *Rayhanat al-Adab fi Tarajim al-Ma'roofin bal-Kaniyyah o al-Laqb*, Tehran.
- Shawkani, Muhammad ibn Ali [n.d.]. *Al-Badr al-Tala' in Virtues after the Seventh Century*, Beirut.
- Suyuti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr (1384). *Baghiyyah al-Wa'at fi Tabaqat al-Laghuyin wa al-Naha'at*, published by Muhammad Abul-Fadl Ibrahim, Cairo.
- Tashkoparizadeh, Ahmad ibn Mustafa (1389). *Al-Shaq'iq al-Nu'maniyyah fi 'Ulama al-Dawla al-Osmaniyyah*, published by Muhammad Tabataba'i Behbahani, Tehran.
- Tashkoparizadeh, Ahmad ibn Mustafa (1397/1977). *Kitab Miftah al-Sa'ada wa Misbah al-Sayyada*, Hyderabad.
- TDVIA*, s.v. "Molla Fenâri", by İbrahim Hakki Aydin.